

## An Application of the Principle of *Nafi Sabil* in National Digital Currency Policymaking to Counter Foreign Monetary Domination<sup>1</sup>

Seyed Ali Mirlohi 

PhD Student in Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University and Higher Institute, Tehran, Iran.

mirlohi@motahari.ac.ir



### Abstract

The emergence of Central Bank Digital Currencies (CBDCs) has created a dual landscape of opportunities and threats for the global monetary system. While this technology offers potential for economic independence, it also poses the risk of intensifying “digital monetary domination” by global powers. The key question is how to remain immune to this threat while benefiting from its opportunities. This study aims to explain the application of the jurisprudential-political principle of *Nafi Sabil* (the negation of domination) as a strategic framework for national digital currency (Digital Rial) policymaking to preserve and strengthen economic independence. The research methodology is descriptive–analytical and based on library resources, adopting an interdisciplinary approach that bridges political jurisprudence and international political economy. Findings indicate that technological dependence, biased standards adoption, and unilateral interoperability are among the main instances of “domination” in this field. As a proactive principle, *Nafi Sabil* obligates

1. Mirlohi, S. A. (2024). An application of the principle of Nafi al-Sabil in national digital currency policy to counter foreign monetary domination. *Jurisprudence and Politics*, 5(2), pp. 120-148. <https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72933.1092>

\* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). \* **Type of article:** Specialized

▣ **Received:** 2025/09/20 • **Revised:** 2025/10/27 • **Accepted:** 2025/11/12 • **Published online:** 2025/12/03

the Islamic state to adopt strategies such as “technological sovereignty” and “managed interoperability,” turning the national digital currency into a tool to counter economic domination.

**Keywords**

National digital currency, *Nafi Sabil* principle, monetary domination, economic independence, monetary policymaking.



## تطبيق قاعدة نفي السبيل في صنع سياسة العملة الرقمية الوطنية لمواجهة الهيمنة المالية الأجنبية<sup>١</sup>

السيد علي ميرلوهي 

طالب دكتوراه في الفقه والقانون، المدرسة العليا للشهيد مطهري، طهران، إيران.  
mirlohi@motahari.ac.ir



### الملخص

ظهرت العملات الرقمية للبنك المركزي (CBDC) قد وضع النظام المالي العالمي أمام رؤية مزدوجة من الفرص والتحديات. هذه التكنولوجيا، إلى جانب إتاحة الفرصة للاستقلال الاقتصادي، تحمل في طياتها خطر تعميق "الهيمنة المالية الرقمية" من قبل القوى العالمية. المسألة الرئيسية هي كيف يمكن البقاء في منأى عن هذا التهديد والاستفادة من الفرص التي يوفرها. هدف هذه الدراسة هو توضيح تطبيق القاعدة الفقهية-السياسية "نفي السبيل" كإطار استراتيجي لصياغة سياسة العملة الرقمية الوطنية (الريال الرقمي) بهدف الحفاظ على الاستقلال الاقتصادي وتعزيزه. منهجية هذه الدراسة هي وصفية-تحليلية وتعتمد على المصادر المكتوبة، مع نهج متعدد التخصصات يجمع بين الفقه السياسي والاقتصاد السياسي الدولي. وتشير النتائج إلى أن الاعتماد التكنولوجي، قبول المعايير الموجهة، والتفاعل الأحادي الجانب هي من أهم مصاديق "السبيل" في هذا المجال. إن قاعدة نفي

١. **الاستشهاد بهذا المقال:** ميرلوهي، سيد علي. (١٤٠٣). تطبيق قاعدة نفي السبيل في سياسة العملة الرقمية الوطنية لمواجهة الهيمنة المالية الأجنبية، الفقه و السياسة، ٥(١٠)، صص ١٢٠-١٤٨.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72933.1092>

□ نوع المقال: بحثية محكمة؛ الناشر: مكتب الإعلام الإسلامي في حوزة قم (المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٥/٠٩/٢٠ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/١٠/٢٧ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/١١/١٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٢/٠٣

السبيل، كمبدأ إيجابي، تتطلب من الدولة الإسلامية تطبيق استراتيجيات مثل "السيادة التكنولوجية" و"التفاعل المدار" حتى تصبح العملة الرقمية الوطنية أداة ضد الهيمنة الاقتصادية.

### الكلمات المفتاحية

العملة الرقمية الوطنية، قاعدة نفي السبيل، الهيمنة المالية، الاستقلال الاقتصادي، صنع السياسة النقدية.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱۲۴  
فقه  
سیاسی

سال ۵، شماره ۲، ۱۴۰۲

## کاربست قاعده نفی سبیل در سیاست گذاری ارز دیجیتال ملی

### برای مقابله با سلطه پولی بیگانگان<sup>۱</sup>

سیدعلی میرلوحی 

دانشجوی دکتری فقه و حقوق، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.  
mirlohi@motahari.ac.ir



#### چکیده

ظهور ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC) چشم انداز نظام پولی جهانی را با دوگانگی فرصت و تهدید مواجه کرده است. این فناوری ضمن ایجاد ظرفیت برای استقلال اقتصادی، خطر تعمیق «سلطه پولی دیجیتال» توسط قدرت های جهانی را نیز به همراه دارد. مسئله اصلی آن است که چگونه می توان از این تهدید مصون ماند و از فرصت های آن بهره مند شد. هدف این پژوهش، تبیین کاربرد قاعده فقهی-سیاسی «نفی سبیل» به عنوان یک چارچوب راهبردی برای سیاست گذاری ارز دیجیتال ملی (ریال دیجیتال) در جهت حفظ و تقویت استقلال اقتصادی است. روش شناسی این تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه ای با رویکردی میان رشته ای میان فقه سیاسی و اقتصاد سیاسی بین الملل است. یافته ها نشان می دهد که وابستگی فناورانه، پذیرش استانداردهای جهت دار و تعامل پذیری یک طرفه، از مهمترین مصادیق «سبیل» در این حوزه هستند. قاعده نفی سبیل به مثابه یک اصل ایجابی، دولت اسلامی را ملزم به اتخاذ راهبردهایی چون «حاکمیت فناورانه» و «تعامل پذیری مدیریت شده» می کند تا ارز دیجیتال ملی به ابزاری برای مقابله با سلطه اقتصادی تبدیل شود.

#### کلیدواژه ها

ارز دیجیتال ملی، قاعده نفی سبیل، سلطه پولی، استقلال اقتصادی، سیاست گذاری پولی.

۱. **استناد به این مقاله:** میرلوحی، سیدعلی. (۱۴۰۳). کاربرد قاعده نفی سبیل در سیاست گذاری ارز دیجیتال ملی برای مقابله با سلطه پولی بیگانگان. فقه و سیاست، ۵(۱۰)، صص ۱۲۰-۱۴۸.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2025.72933.1092>

□ نوع مقاله: تخصصی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۹/۱۲

جهان در آستانه یک تحول بنیادین در ماهیت پول و نظام‌های پرداخت قرار گرفته است. گذار از پول نقد به پول دیجیتال، که دهه‌ها در جریان بود، اکنون با ظهور «ارزهای دیجیتال بانک مرکزی»<sup>۱</sup> وارد مرحله‌ای نوین و راهبردی شده است. این پدیده فقط یک نوآوری فناورانه نیست، بلکه ابزاری قدرتمند با پیامدهای عمیق ژئوپلیتیکی، اقتصادی و حاکمیتی است. امروزه بیش از نود درصد از بانک‌های مرکزی جهان در حال تحقیق، توسعه یا اجرای آزمایشی ارز دیجیتال ملی خود هستند (Bank for International Settlements, 2024, p. 5). این رقابت جهانی، که در یک سو ایالات متحده با طرح دلار دیجیتال و در سوی دیگر چین با یوآن دیجیتال<sup>۲</sup> پیش‌تاز آن هستند، نشانگر آن است که آینده سلطه پولی و اقتصادی در گرو معماری این زیرساخت‌های نوین مالی خواهد بود (Prasad, 2021, p. 150). برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که تحت شدیدترین تحریم‌های مالی و بانکی قرار دارند، این تحول یک «شمشیر دوله» است: از یک سو، فرصتی بی‌نظیر برای طراحی یک نظام پرداخت مستقل و بی‌اثر کردن تحریم‌ها، و از سوی دیگر، تهدیدی جدی برای تعمیق سلطه بیگانگان و ایجاد آشکال جدیدی از وابستگی اقتصادی (Amani & Sepehri, 2023, p. 86) در چنین شرایط حساسی، سیاست‌گذاری برای طراحی و پیاده‌سازی «ریال دیجیتال» نمی‌تواند تنها یک امر فنی و اقتصادی باشد، بلکه باید مبتنی بر یک چارچوب راهبردی کلان و ریشه‌دار در مبانی فقهی-سیاسی نظام اسلامی صورت گیرد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان از ظرفیت‌های فقه سیاسی، بویژه قاعده مترقی «نفی سبیل»، برای تدوین اصول و ضوابط حاکم بر سیاست‌گذاری ارز دیجیتال ملی بهره برد تا این فناوری به ابزاری برای تحکیم استقلال اقتصادی و مقابله با سلطه پولی بیگانگان تبدیل شود؟ ادبیات پژوهشی مرتبط با این موضوع را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد. حوزه نخست،

1. Central Bank Digital Currencies or CBDCs  
2. e-CNY

شامل مطالعات اقتصادی و فنی در باب CBDC است که به ماهیت، مزایا و ریسک‌های آن می‌پردازد. (e.g., Bordo & Levin, 2019; Auer & Böhme, 2020). این آثار عموماً بر کارایی پرداخت، ثبات مالی و سیاست‌گذاری پولی متمرکز بوده و کمتر به ابعاد ژئوپلیتیکی و حاکمیتی آن توجه کرده‌اند. حوزه دوم، پژوهش‌های حوزه روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی است که به رقابت ارزی میان قدرت‌ها و استفاده از ابزارهای مالی برای اعمال قدرت می‌پردازند (Eichengreen, 2023, p. 2). در این دسته از آثار، CBDC به‌عنوان ابزار جدیدی در جنگ ارزی و اعمال تحریم‌ها تحلیل می‌شود، اما این تحلیل‌ها فاقد یک چارچوب هنجاری برای سیاست‌گذاری در کشورهای هدف سلطه هستند. حوزه سوم، ادبیات فقهی است که به شرح و بسط قاعده نفی سیل پرداخته است. فقهای عظام از دیرباز با استناد به آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء، ۱۴۱)، هرگونه قرارداد، قانون یا رابطه‌ای را که منجر به سلطه و نفوذ بیگانگان بر سرنوشت مسلمانان شود، باطل و حرام دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۹۶؛ امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۱). کاربرد این قاعده در دوران معاصر نیز در حوزه‌هایی چون قراردادهای نفتی، معاهدات بین‌المللی و روابط سیاسی مورد بحث قرار گرفته است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۵). با این حال، با وجود غنای مباحث نظری در هر سه حوزه، یک خلأ پژوهشی عمیق در نقطه تلاقی آنها به چشم می‌خورد. تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به شکل مشخص به کاربست قاعده نفی سیل به‌عنوان یک «منطق راهبردی» برای سیاست‌گذاری در حوزه فناوری‌های پولی نوین پرداخته و الزامات فنی و حقوقی یک ارز دیجیتال ملی مقاوم در برابر سلطه را از منظر فقه سیاسی تبیین نکرده است.

اهمیت و ضرورت این تحقیق از چند جهت قابل تبیین است. اولاً، در شرایطی که نظام سلطه با استفاده از ابزارهای مالی مانند سوئیفت و نظام دلار، فشار اقتصادی بی‌سابقه‌ای بر کشور وارد می‌کند، انفعال در برابر تحولات پولی دیجیتال می‌تواند به از دست رفتن آخرین روزنه‌های استقلال اقتصادی منجر شود. سیاست‌گذاری صحیح در

این حوزه یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر برای امنیت ملی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲). ثانیاً، ارائه یک چارچوب مبتنی بر فقه سیاسی به سیاست‌گذاران بانک مرکزی و نهادهای تصمیم‌گیر کمک می‌کند تا از رویکردهای صرفاً فنی یا تقلیدی پرهیز کرده و طراحی ریال دیجیتال را در راستای اهداف کلان نظام اسلامی هدایت کنند (پورعزت و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۱۰). ثالثاً، این پژوهش می‌تواند به تولید ادبیات نظری در حوزه «فقه فناوری‌های نوین» کمک کرده و نشان دهد که چگونه اصول فقهی می‌توانند به شکل ایجابی و کارآمد در راهبری پیچیده‌ترین مسائل مستحدثه به کار گرفته شوند. این مقاله با هدف پر کردن خلأ پژوهشی مذکور، تلاشی نوآورانه برای پیوند میان «فقه» و «سیاست‌گذاری فناوریانه» است. نوآوری اصلی این تحقیق در عبور از تفسیر سلبی و تدافعی از قاعده نفی سبیل و ارائه یک خوانش ایجابی و کنش‌گرا از آن است. در این نگاه، قاعده نفی سبیل تنها به «نهی» از پذیرش سلطه خلاصه نمی‌شود، بلکه به «الزام» دولت اسلامی برای تولید قدرت، ایجاد زیرساخت‌های مستقل و نوآوری در جهت خنثی‌سازی ابزارهای سلطه بیگانه دلالت دارد. بر این اساس، مقاله حاضر در بخش نخست به تبیین مبانی نظری موضوع شامل چیستی CBDC، ابعاد سلطه پولی مدرن و تحلیل مبانی فقهی قاعده نفی سبیل می‌پردازد. در بخش دوم، با کاربست این قاعده در حوزه ارزش‌های دیجیتال، مصادیق «سبیل» در این فناوری شناسایی شده و الزامات ایجابی برای سیاست‌گذاری ریال دیجیتال مستقل و مقاوم تبیین می‌شود.

## ۱. مبانی نظری و مفهومی

### ۱-۱. ارز دیجیتال ملی: چیستی، انواع و کارکردها

ارز دیجیتال بانک مرکزی نوع جدیدی از پول است که به صورت دیجیتال توسط بانک مرکزی یک کشور صادر می‌شود و تعهد مستقیم آن بانک به‌شمار می‌آید. به بیان ساده، CBDC نسخه دیجیتالی پول نقد (اسکناس و مسکوک) است که در ترازنامه بانک

مرکزی ثبت می‌شود (Auer & Böhme, 2020, p. 109). درک دقیق ماهیت این پدیده مستلزم تفکیک آن از سایر اشکال پول دیجیتال است که امروزه در حال استفاده هستند. پول‌های دیجیتال رایج را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: پول بانک تجاری، پول الکترونیک و ارزهای رمزنگاری شده خصوصی (Bech & Garratt, 2017, p. 80). پول بانک تجاری همان سپرده‌های دیداری ما در حساب‌های بانکی است که بخش عمده حجم پول در اقتصادهای مدرن را تشکیل می‌دهد. هرچند این پول به صورت دیجیتال در حساب‌ها ثبت و منتقل می‌شود، اما تعهد مستقیم بانک مرکزی نیست، بلکه تعهد یک بانک تجاری در برابر مشتریانش است (Kahn & Roberds, 2019, p. 32). پول الکترونیک<sup>۱</sup> نیز که در کارت‌های اعتباری پیش‌پرداخت یا کیف پول‌های دیجیتال (مانند پی‌پال) استفاده می‌شود، ادعایی بر یک نهاد مالی خصوصی است که موظف است آن را به پول بانک تجاری یا پول نقد تبدیل کند. در مقابل، ارزهای رمزنگاری شده خصوصی مانند بیت‌کوین و اتریوم، توسط هیچ نهاد مرکزی صادر یا پشتیبانی نمی‌شوند و ارزش آنها مبتنی بر سازوکارهای رمزنگاری و اعتماد شبکه‌ای غیرمتمرکز است (Nakamoto, 2008, p. 12)، با تمام این موارد متفاوت است. این پول، برخلاف سپرده‌های بانکی، تعهد بانک تجاری نیست و ریسک ورشکستگی بانک‌های عامل را به همراه ندارد. برخلاف ارزهای رمزنگاری شده خصوصی، CBDC کاملاً متمرکز بوده و کنترل آن در اختیار بانک مرکزی است که ثبات ارزش آن را تضمین می‌کند. این ویژگی بنیادی، CBDC را به ابزاری قدرتمند برای سیاست‌گذاری پولی تبدیل می‌کند. بانک‌های مرکزی می‌توانند براساس اهداف خود، CBDC را در مدل‌های مختلفی طراحی کنند. دو دسته‌بندی اصلی برای انواع CBDC وجود دارد:

الف) براساس سطح دسترسی:

۱) CBDC عمده‌فروشی:<sup>۲</sup> این نوع ارز دیجیتال صرفاً برای تسویه‌های بین‌بانکی و معاملات میان مؤسسات مالی بزرگ طراحی شده است. هدف آن افزایش

1. E-money

2. Wholesale CBDC

کارایی، سرعت و امنیت در زیرساخت‌های پرداخت کلان کشور است و در

دسترس عموم مردم قرار نمی‌گیرد (Mills et al., 2016, p. 47).

۲) CBDC خرده‌فروشی: این نوع ارز دیجیتال مستقیماً در اختیار عموم مردم

(خانوارها و کسب‌وکارها) قرار می‌گیرد و به‌عنوان جایگزین یا مکمل پول نقد

عمل می‌کند. این مدل به دلیل تأثیر مستقیم بر زندگی شهروندان، پیچیدگی‌های

سیاستی و فنی بیشتری دارد (Group of Central Banks, 2020, p. 68).

ب) براساس معماری فنی:

۱) مبتنی بر توکن: ۲ در این مدل، یک «توکن دیجیتال» منحصر به فرد نماینده ارزش

است. مالکیت با در اختیار داشتن کلید خصوصی آن توکن اثبات می‌شود و

تراکنش‌ها با انتقال توکن انجام می‌گیرد. این مدل شبیه به کارکرد پول نقد

فیزیکی است (Kahn, Lee, & Roberds, 2021, p. 153).

۲) مبتنی بر حساب: ۳ در این مدل، مالکیت از طریق موجودی ثبت شده در یک

حساب نزد بانک مرکزی یا یک واسطه مجاز اثبات می‌شود. هویت مالک

حساب برای انجام تراکنش ضروری است و این مدل شباهت بیشتری به نظام

بانکداری سنتی دارد.

انتخاب میان این مدل‌ها پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری دارد. برای مثال، یک

CBDC خرده‌فروشی مبتنی بر حساب، به بانک مرکزی امکان اشراف کامل بر

تراکنش‌های مالی و اجرای سیاست‌های پولی هدفمند (مانند پرداخت یارانه مستقیم

یا اعمال نرخ بهره منفی) را می‌دهد. همین ویژگی‌ها، آن را به ابزاری بالقوه

برای کنترل و نظارت اقتصادی تبدیل می‌کند که در مباحث بعدی از منظر سلطه

بیگانگان اهمیت می‌یابد. در نهایت، کارکردهای اصلی که برای CBDC متصور

هستند شامل افزایش سرعت و کاهش هزینه تراکنش‌ها، بهبود شمول مالی، مقابله با

---

1. Retail CBDC

2. Token-based

3. Account-based

جرایم مالی و مهمتر از همه، ایجاد یک زیرساخت پرداخت ملی مقاوم و مستقل است (Bank for International Settlements, 2024, p. 5) این کارکرد آخر، یعنی «استقلال و مقاومت»، نقطه تلاقی مباحث فنی CBDC با دغدغه‌های راهبردی و فقهی این پژوهش است.

## ۲-۱. سلطه پولی مدرن: ابزارها و پیامدها

سلطه در نظام بین‌الملل معاصر، بیش از آنکه متکی بر قدرت نظامی صرف باشد، از طریق ابزارهای اقتصادی و مالی اعمال می‌شود. در مرکز این ساختار، «سلطه پولی» قرار دارد که به معنای توانایی یک دولت برای بهره‌برداری از جایگاه ویژه پول ملی خود در اقتصاد جهانی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی و استراتژیک است (Cohen, 2015, p. 25). پس از جنگ جهانی دوم و استقرار نظام برتون وودز، دلار آمریکا بتدریج جایگاه محوری را در تجارت، سرمایه‌گذاری و ذخایر ارزی بانک‌های مرکزی جهان به دست آورد. هرچند نظام پایه طلا فروپاشید، اما وابستگی ساختاری اقتصاد جهانی به دلار تا به امروز باقی مانده و به منبع اصلی قدرت برای ایالات متحده تبدیل شده است (Varoufakis, 2016, p. 42). این سلطه از طریق چند ابزار کلیدی اعمال می‌شود:

۱) جایگاه دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی: بخش عمده‌ای از تجارت بین‌المللی (حتی میان کشورهایی که با آمریکا معامله نمی‌کنند) بر پایه دلار قیمت‌گذاری و تسویه می‌شود. این امر تقاضای جهانی دائمی برای دلار ایجاد کرده و به آمریکا اجازه می‌دهد با کسری بودجه عظیم، هزینه‌های خود را تأمین مالی کند؛ امتیازی که از آن به عنوان «امتیاز گزاف»<sup>۱</sup> یاد می‌شود (Eichengreen, 2011, p. 3).

۲) کنترل بر زیرساخت‌های پرداخت بین‌المللی: مهمترین ابزار این سلطه، کنترل بر شریان‌های حیاتی نظام مالی جهانی است. جامعه جهانی ارتباطات مالی بین

---

1. Exorbitant Privilege

بانکی،<sup>۱</sup> هر چند در ظاهر یک نهاد تعاونی بی طرف مستقر در بلژیک است، اما در عمل به دلیل نفوذ سیاسی و وابستگی به نظام حقوقی غرب، به ابزاری برای اعمال تحریم‌های مالی تبدیل شده است. اخراج بانک‌های یک کشور از سوئیت، عملاً به معنای قطع دسترسی آن کشور به نظام بانکی بین‌المللی است (Chorzempa, 2021, p. 6).

۳) استفاده ابزاری از تحریم‌های مالی: ایالات متحده با بهره‌گیری از مرکزیت نظام مالی خود، تحریم‌های اقتصادی را به سلاحی قدرتمند تبدیل کرده است. این کشور نه تنها افراد و شرکت‌های خود را از معامله با کشورهای هدف منع می‌کند، بلکه از طریق «تحریم‌های ثانویه»، شرکت‌ها و بانک‌های کشورهای ثالث را نیز مجبور به تبعیت از سیاست‌های خود می‌نماید (Nephew, 2018, p. 58). هر بانکی در جهان که بخواهد به نظام دلار دسترسی داشته باشد، ناگزیر است از قوانین تحریمی آمریکا پیروی کند، در غیر این صورت با جریمه‌های سنگین یا قطع دسترسی مواجه خواهد شد.

این ساختار در مجموع یک نظام سلسله‌مراتبی را ایجاد کرده که در آن استقلال اقتصادی و حاکمیت پولی بسیاری از کشورها تضعیف شده است. پیامدهای این سلطه برای کشورهایی که سیاست‌های مستقلی را دنبال می‌کنند، بسیار شدید است: محدودیت در دسترسی به درآمدهای صادراتی، افزایش هزینه‌های تجارت، بی‌ثباتی اقتصادی و کاهش توانایی دولت برای خدمت‌رسانی به شهروندان. این وضعیت، مصداق دقیق و مدرنی از «سبیل» یا همان راه نفوذ و سلطه‌ای است که بیگانگان بر سرنوشت جوامع اسلامی پیدا می‌کنند. اکنون، ظهور ارزهای دیجیتال بانک مرکزی این پتانسیل را دارد که این معادلات را تغییر دهد. یک CBDC که توسط یک قدرت مسلط مانند آمریکا طراحی شود، می‌تواند ابزارهای نظارت و کنترل را به مراتب دقیق‌تر و کارآمدتر کند. تراکنش‌ها به صورت آنی قابل ردیابی و مسدود شدن

1. SWIFT

خواهند بود و اعمال تحریم‌ها دیگر نیازمند همکاری با نهادهای واسطه‌ای مانند سوئیفت نخواهد بود، بلکه به‌طور مستقیم در سطح پروتکل‌های پولی قابل اجرا است (Brunnermeier, James, & Landau, 2019, p. 14). این چشم‌انداز، تهدید تبدیل شدن سلطه پولی به یک «سلطه الگوریتمی» را به وجود می‌آورد. در مقابل، همین فناوری اگر به درستی به کار گرفته شود، می‌تواند به کشورها اجازه دهد تا نظام‌های پرداخت جایگزینی ایجاد کرده و خود را از این سلطه رها سازند (Zuboff, 2019, p. 378). این دوگانگی فرصت و تهدید، اهمیت رجوع به یک اصل راهبردی بالادستی مانند قاعده نفی سیبل را برای انتخاب مسیر درست دوچندان می‌کند.

### ۱-۳. تبیین فقهی-حقوقی قاعده «نفی سیبل»

قاعده نفی سیبل، یکی از قواعد بنیادین و راهبردی در فقه سیاسی و اقتصادی اسلام است که چارچوب تعاملات جامعه اسلامی با سایر جوامع را ترسیم می‌کند. این قاعده که بر حفظ عزت، استقلال و کرامت امت اسلامی تأکید دارد، مستند به ادله متقن از کتاب، سنت و اجماع فقها است. مهمترین و اصلی‌ترین مستند این قاعده، آیه شریفه ۱۴۱ از سوره نساء است که می‌فرماید: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (... و خداوند هرگز برای کافران بر مؤمنان راهی [برای تسلط] قرار نداده است). واژه «سیبل» در لغت به معنای راه و مسیر است، اما در ادبیات فقهی و تفسیری، معنایی وسیع‌تر از یک مسیر فیزیکی دارد و به هرگونه سلطه، نفوذ، غلبه و چیرگی اطلاق می‌شود، این وسعت معنایی مورد تأکید لغت‌شناسان برجسته نیز بوده است (زیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۱۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۳۰۰)؛ بنابراین، آیه شریفه هر نوع راهی را که به تفوق و سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی منتهی شود، مسدود می‌نماید. یکی از مباحث کلیدی در تحلیل این آیه، فهم دلالت حرف «لَنْ» است که بر سر فعل «يَجْعَلُ» آمده است. این حرف در ادبیات عرب برای «نفی ابدی» به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۱). فقها در اینجا دو نوع تفسیر را مطرح کرده‌اند: تفسیر اخباری و تفسیر انشائی. براساس دیدگاه اخباری، این آیه یک وعده الهی است مبنی بر اینکه در نهایت، کافران

بر مؤمنان چیره نخواهند شد. اما دیدگاه مشهور و قوی‌تر، تفسیر انشائی است. طبق این دیدگاه، آیه در مقام تشریح و قانون‌گذاری است؛ یعنی خداوند به مؤمنان فرمان می‌دهد که نباید هیچ‌گاه کاری کنند یا قانونی وضع نمایند یا قراردادی ببندند که نتیجه آن، سلطه و نفوذ کافران بر آنان باشد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۲۵). این تفسیر، قاعده نفی سیبیل را از یک اصل اعتقادی صرف به یک اصل حاکم بر حقوق و روابط بین‌الملل اسلامی تبدیل می‌کند که تکلیفی ایجابی بر دوش حکومت اسلامی می‌گذارد. وجه تمایز کلیدی قاعده نفی سیبیل با قواعد مشابهی چون «لاضرر» و «لا حرج» در همین نگاه حاکمیتی و کلان آن نهفته است. در حالی که قواعدی مانند لاضرر عمدتاً ناظر بر روابط فردی و جلوگیری از ضرر شخصی هستند، قاعده نفی سیبیل از افقی بالاتر به روابط میان امت اسلامی و دیگر ملل می‌نگرد. «سیبیل» در این قاعده، لزوماً به معنای ورود ضرر مالی یا سختی و مشقت نیست؛ بلکه به معنای از دست رفتن استقلال، خدشه‌دار شدن عزت و ایجاد هرگونه وابستگی است که راه را برای نفوذ بیگانه باز کند؛ بنابراین، ممکن است یک قرارداد اقتصادی در ظاهر سودآور باشد و ضرری را متوجه فرد خاصی نکند، اما به دلیل ایجاد وابستگی فناورانه یا اقتصادی در بلندمدت، مصداق «سیبیل» بوده و از منظر این قاعده باطل باشد. این تمایز نشان می‌دهد که نفی سیبیل، قاعده‌ای برای حفظ هویت و کیان جامعه اسلامی است.

همچنین، در برابر تفسیر موسعی که فقهای امامیه از این قاعده ارائه داده‌اند، برخی دیدگاه‌های محدودکننده نیز وجود دارد که دامنه آن را صرفاً به سلطه سیاسی یا نظامی مستقیم تقلیل می‌دهند. این دیدگاه با تکیه بر شأن نزول آیه یا برخی روایات، معتقد است که مقصود از «سیبیل»، صرفاً غلبه و حکومت مستقیم است و شامل روابط اقتصادی و فرهنگی نمی‌شود. با این حال، این تفسیر با عمومیت لفظ آیه و اطلاق واژه «سیبیل» که هرگونه راه نفوذی را در بر می‌گیرد، سازگار نیست. فقهای بصیر و زمان‌شناس، به‌ویژه در دوران معاصر، با درک صحیح از ابزارهای نوین سلطه، به درستی دامنه قاعده را به حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و فناورانه نیز تسری داده‌اند، چراکه امروزه وابستگی در این حوزه‌ها می‌تواند به مراتب خطرناک‌تر از سلطه نظامی مستقیم باشد (عمید زنجانی،

۱۳۸۵، ص ۳۴۰. علاوه بر قرآن، روایات متعددی نیز بر این قاعده دلالت دارند. روایت مشهور «الإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ»؛ «اسلام برتری می یابد و چیزی بر آن برتری نمی یابد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴۵)، که مورد استناد بسیاری از فقها قرار گرفته است، روح حاکم بر این قاعده را تأیید می کند. بر همین اساس، فقهای امامیه بر حجیت و اعتبار این قاعده اجماع دارند و آن را در ابواب مختلف فقهی به کار برده اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۵). این رویکرد فراگیر و تأکید بر ابعاد حاکمیتی قاعده، در آثار فقهای بزرگ در طول تاریخ، از متقدمین تا معاصرین، به وضوح قابل مشاهده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۲۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۱). دامنه شمول قاعده نفی سبیل بسیار گسترده است و به یک حوزه خاص محدود نمی شود؛ از جمله مهمترین مصادیق آن در فقه می توان به حوزه قضایی (عدم پذیرش شهادت غیرمسلمان علیه مسلمان)، حوزه سیاسی (عدم مشروعیت ولایت و حاکمیت غیرمسلمانان بر جامعه اسلامی)، حوزه فردی (بطلان برخی معاملات مانند فروش بنده مسلمان به غیرمسلمان) و حوزه اقتصادی و بین المللی - که بیشترین ارتباط را با موضوع این مقاله دارد، شامل بطلان هر گونه قرارداد تجاری، اقتصادی یا مالی است که به وابستگی اقتصادی و تضعیف استقلال جامعه اسلامی منجر شود. امام خمینی علیه السلام با استناد به همین قاعده، قراردادهایی را که عزت و استقلال کشور را خدشه دار کند، خلاف شرع و باطل می دانستند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۴۴) - اشاره کرد؛ بنابراین، قاعده نفی سبیل یک اصل پویا و کارآمد است که به مثابه یک «فیلتر» عمل می کند؛ هر قانون، معاهده یا فناوری جدیدی باید از این فیلتر عبور کند و مشروعیت آن منوط به این است که زمینه ساز سلطه بیگانه نباشد. این قاعده، دولت اسلامی را موظف می کند تا در برابر هر گونه تهدیدی که استقلال جامعه را به خطر می اندازد، موضعی فعال و پیشگیرانه اتخاذ کند. همان طور که در بخش قبل نشان داده شد، سلطه پولی مدرن یکی از بارزترین مصادیق «سبیل» در جهان امروز است و فناوری CBDC نیز می تواند به ابزاری برای تعمیق این سلطه تبدیل شود. با این مبنای فقهی مستحکم، اکنون آماده ایم تا در مبحث بعدی، به تحلیل کاربست این قاعده در سیاست گذاری ارز دیجیتال ملی پردازیم.

## ۲. تحلیل کاربست قاعده نفی سبیل در عرصه CBDC

پس از تبیین مبانی مفهومی، سیاسی و فقهی، اکنون نوبت به تحلیل انضمامی موضوع می‌رسد. در این مبحث، استدلال خواهد شد که قاعده نفی سبیل چگونه می‌تواند و باید به‌عنوان یک اصل راهنما در سیاست‌گذاری ارز دیجیتال ملی عمل کند. این تحلیل در دو گام انجام می‌گیرد: ابتدا، مصادیق بالقوه «سبیل» یا همان راه‌های نفوذ و سلطه در فناوری CBDC را شناسایی می‌کنیم و سپس، الزامات ایجابی و سلبی را که این قاعده برای طراحی یک CBDC مستقل و مقاوم ایجاب می‌کند، تشریح می‌نماییم.

### ۲-۱. شناسایی مصادیق «سبیل» در فناوری ارز دیجیتال ملی

«سبیل» در چارچوب سلطه پولی مدرن، لزوماً به معنای یک سلطه آشکار و مستقیم نیست، بلکه می‌تواند در لایه‌های فنی، حقوقی و استانداردهای یک فناوری پنهان باشد. بی‌توجهی به این لایه‌ها در فرآیند طراحی و پیاده‌سازی ارز دیجیتال ملی، می‌تواند به ایجاد راه‌های جدیدی برای سلطه بیگانگان منجر شود. مهمترین این مصادیق عبارتند از:

(۱) سبیل از طریق وابستگی فناورانه<sup>۱</sup> پیچیدگی فنی CBDC ممکن است کشورها را به سمت استفاده از پلتفرم‌ها، نرم‌افزارها یا پروتکل‌های رمزنگاری آماده که توسط شرکت‌ها یا دولت‌های خارجی توسعه یافته‌اند، سوق دهد. هرگونه وابستگی در زیرساخت‌های اصلی، از سخت‌افزارهای شبکه گرفته تا نرم‌افزارهای مدیریت حساب، یک «درب پشتی» (Backdoor) برای نفوذ و کنترل ایجاد می‌کند. کشوری که پلتفرم پولی خود را براساس فناوری بیگانه بنا نهد، در عمل حاکمیت خود را به توسعه‌دهندگان آن فناوری واگذار کرده است. این وابستگی

1. Technological Dependence

می‌تواند به اعمال فشار برای تغییر سیاست‌ها، قطع ناگهانی خدمات یا حتی جاسوسی از داده‌های مالی کلان کشور منجر شود که همگی از مصادیق بارز سلطه هستند (Zuboff, 2019, p. 378).

۲) سیبل از طریق استانداردهای بین‌المللی جهت‌دار:<sup>۱</sup> همانند سایر فناوری‌های جهانی، CBDC نیز برای تعاملات فرامرزی نیازمند استانداردهای مشترک (مانند فرمت پیام‌ها و پروتکل‌های ارتباطی) خواهد بود. قدرت‌های بزرگ اقتصادی همواره تلاش می‌کنند تا استانداردهای مطلوب خود را به‌عنوان استانداردهای جهانی تثبیت کنند (Farrell & Newman, 2019, p. 45). اگر ایران و سایر کشورهای مستقل در فرآیند تدوین این استانداردها نقش فعالی ایفا نکنند و صرفاً به پذیرش استانداردهای تحمیلی از سوی نهادهای تحت نفوذ غرب اکتفا ورزند، در عمل خود را در چارچوبی قرار داده‌اند که قواعد بازی آن توسط دیگران نوشته شده است. این استانداردها می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که نظارت و کنترل بر تراکنش‌ها را برای یک بازیگر خاص آسان‌تر کنند، که این خود مصداق «سیبل» است.

۳) سیبل از طریق قابلیت همکاری یک‌طرفه:<sup>۲</sup> یکی از اهداف اصلی CBDC، تسهیل پرداخت‌های فرامرزی است. در این میان، ممکن است پیشنهاد شود که ریال دیجیتال برای سهولت در تجارت، به شکل کامل با پلتفرم دلار دیجیتال یا یورو دیجیتال «سازگار»<sup>۳</sup> باشد. هرچند این امر در ظاهر مفید به نظر می‌رسد، اما اگر این سازگاری به معنای تبعیت از قوانین و الزامات پلتفرم مقابل باشد (مانند پذیرش قوانین تحریمی آمریکا)، در آن صورت به یک جاده یک‌طرفه برای اعمال سلطه تبدیل می‌شود. این نوع از همکاری، استقلال پولی کشور را از

- 
1. Biased International Standards
  2. One-way Interoperability
  3. Interoperable

بین برده و ریال دیجیتال را به یک زائده برای نظام پولی سلطه تبدیل می کند

(Auer et al., 2022, p. 15).

۴) سیل از طریق پذیرش CBDC خارجی در داخل کشور: خطرناک ترین شکل سلطه، پذیرش یک یا چند CBDC خارجی به عنوان ابزار پرداخت رایج در داخل کشور است. این پدیده که به «دلاریزاسیون دیجیتال»<sup>۱</sup> معروف است، می تواند حاکمیت پولی بانک مرکزی را به کلی از بین ببرد. اگر شهروندان به دلیل بی ثباتی پول ملی یا جذابیت های دیگر، به استفاده از یک CBDC خارجی روی آورند، توانایی بانک مرکزی برای کنترل حجم پول، تورم و اجرای سیاست های اقتصادی از میان خواهد رفت و این به معنای واگذاری کامل سرنوشت اقتصادی کشور به یک قدرت خارجی است.

شناسایی این موارد نشان می دهد که خطر «سیل» در حوزه CBDC، یک تهدید انتزاعی نیست، بلکه امری واقعی و فنی است که در جزئیات طراحی این فناوری نهفته است؛ بنابراین، سیاست گذاری در این عرصه نیازمند یک رویکرد فعالانه برای مسدود کردن این راه ها و ایجاد یک زیرساخت حقیقتاً مستقل است.

## ۲-۲. رویکردهای جهانی به حفظ حاکمیت پولی دیجیتال

دغدغه مقاله حاضر، یعنی مقابله با سلطه پولی از طریق طراحی یک ارز دیجیتال ملی مستقل، تنها به گفتمان فقهی محدود نمی شود. در سطح جهانی نیز قدرت های اقتصادی با درک تهدیدهای ناشی از وابستگی، با ادبیات و چارچوب های مفهومی خود در پی تحقق اهدافی مشابه هستند. تحلیل رویکرد بازیگرانی چون چین و اتحادیه اروپا نشان می دهد که حفظ «حاکمیت پولی دیجیتال» به یک اولویت راهبردی تبدیل شده است. این امر ثابت می کند که تلاش برای تحقق استقلال در این عرصه، نه یک رویکرد

1. Digital Dollarization

انزو اگریانه، بلکه یک اقدام عقلانی و منطبق بر روندهای جهانی است. چین به عنوان اصلی ترین رقیب اقتصادی ایالات متحده، به وضوح از ارزش دیجیتال ملی خود<sup>۱</sup> به عنوان ابزاری برای کاهش وابستگی به نظام پرداخت مبتنی بر دلار استفاده می کند. سیاست گذاران چینی دریافته اند که سلطه دلار یک تهدید بلندمدت برای امنیت اقتصادی این کشور است (Weber, 2021, p. 8) بر همین اساس، یوآن دیجیتال با دو هدف اصلی طراحی شده است: کنترل بیشتر بر اقتصاد داخلی و ایجاد یک زیرساخت پرداخت فرامرزی مستقل. در این راستا، چین پروژه «mBridge» را با همکاری بانک تسویه بین المللی و بانک های مرکزی چند کشور دیگر کلید زده است. هدف این پروژه، ایجاد یک پلتفرم چندجانبه برای تسویه آنی تراکنش های بین المللی با استفاده از CBDC ها بدون نیاز به عبور از بانک های کارگزار آمریکایی است (Auer et al., 2022, p. 20). این اقدام، مصداق عملی ایجاد یک «راه» جایگزین برای مقابله با «سبیل» نظام مالی غرب است. اتحادیه اروپا نیز با کلیدواژه «استقلال راهبردی»،<sup>۲</sup> نگرانی عمیق خود را از وابستگی به نظام های پرداخت و شرکت های فناوری غیراروپایی (عمدتاً آمریکایی) ابراز کرده است. سیاست گذاران اروپایی نگران آن هستند که شرکت هایی مانند ویزا، مستر کارت، اپل و گوگل، کنترل شریان های حیاتی اقتصاد دیجیتال این قاره را در دست بگیرند (Brunnermeier, James, & Landau, 2021, p. 3). بر این اساس، پروژه «یورو دیجیتال» نه تنها با هدف افزایش کارایی، بلکه با انگیزه تقویت حاکمیت پولی و حفاظت از داده های شهروندان اروپایی (منطبق بر قوانین GDPR) در حال پیشرفت است. رویکرد اروپا نشان می دهد که حتی متحدان سنتی آمریکا نیز وابستگی در حوزه فناوری های مالی را یک تهدید برای حاکمیت خود تلقی کرده و فعالانه برای مقابله با آن تلاش می کنند.

1. e-CNY

2. Strategic Autonomy

جدول ۱: تحلیل تطبیقی مدل‌های CBDC و نسبت آنها با استقلال پولی

مدل CBDC	فرصت برای استقلال	ویژگی‌های کلیدی	تهدید (مصادق سبیل)
دلار دیجیتال (طرح احتمالی آمریکا)	-	متمرکز، شفافیت بالا، برای دولت آمریکا، مبتنی بر استانداردهای غربی	کنترل تراکنش‌های بین‌المللی، تشدید و هوشمندسازی تحریم‌ها، تحمیل استانداردهای حقوقی
یوان دیجیتال	الگویی برای پرداخت‌های جایگزین دلار، تسهیل تجارت با چین	متمرکز، قابلیت استفاده فرامرزی، کنترل کامل دولت چین بر داده‌ها	ایجاد وابستگی به زیرساخت پولی چین، نفوذ اقتصادی چین
ارزهای رمزنگاری شده خصوصی (بیت کوین)	ابزار بالقوه برای دور زدن تحریم در مقیاس خرد	غیرمتمرکز، ناشناس بودن نسبی، بدون پشتوانه دولتی	نوسان شدید ارزش، فقدان حاکمیت و کنترل ملی، ریسک‌های امنیتی
ریال دیجیتال (مدل پیشنهادی مطلوب)	بی‌اثر کردن تحریم‌های مالی، تسهیل تجارت منطقه‌ای، تقویت حاکمیت پولی	متمرکز داخلی، مبتنی بر فناوری بومی، قابلیت قرارداد هوشمند برای پیمان‌های دو جانبه	خطر انزوای تکنولوژیک در صورت عدم استانداردهای مدیریت شده

تحلیل این دو رویکرد نشان می‌دهد که قاعده فقهی «نفی سبیل» یک منطق راهبردی جهان‌شمول را در خود نهفته دارد. اگرچه چین و اروپا از مفاهیمی چون «مقابله با هژمونی» یا «استقلال راهبردی» استفاده می‌کنند (Weber, 2021, p. 9)، اما روح حاکم بر

سیاست‌های آنها همان دغدغه‌ای است که در قاعده نفی سبیل وجود دارد: حفظ استقلال، کنترل بر سرنوشت اقتصادی و جلوگیری از نفوذ و سلطه دیگران. این مطالعات تطبیقی ثابت می‌کند که طراحی یک ارز دیجیتال ملی مستقل، نه تنها از منظر فقهی یک الزام است، بلکه از منظر منافع ملی و روندهای جهانی نیز یک اقدام کاملاً ضروری و عقلانی به‌شمار می‌آید.

### ۳-۲. الزامات سیاست‌گذاری CBDC برای تحقق «نفی سبیل»

قاعده نفی سبیل، همان‌طور که بیان شد، تنها یک اصل سلبی برای «نه گفتن» به سلطه نیست، بلکه یک الزام ایجابی برای «اقدام فعالانه» در جهت ایجاد استقلال و مصونیت بخشی به جامعه اسلامی است. بر این اساس، سیاست‌گذاری در حوزه ارز دیجیتال ملی باید مجموعه‌ای از الزامات را برآورده سازد تا این فناوری نه تنها به «سبیل» جدیدی برای بیگانگان تبدیل نشود، بلکه خود ابزاری برای مسدود کردن راه‌های نفوذ باشد. این الزامات را می‌توان در قالب چند اصل راهبردی بیان کرد:

#### ۲-۳-۱. اصل حاکمیت فناوریانه<sup>۱</sup>

برای مقابله با خطر وابستگی فنی، دولت اسلامی موظف است بر تمامی لایه‌های زیرساختی ارز دیجیتال ملی خود تسلط کامل داشته باشد. این امر فراتر از یک توصیه، یک الزام راهبردی است. سیاست‌گذاری در این حوزه باید بر سرمایه‌گذاری پایدار در تحقیق و توسعه داخلی و حمایت حقوقی و مالی از شرکت‌های دانش‌بنیان برای بومی‌سازی فناوری‌های کلیدی مانند بلاکچین، پروتکل‌های رمزنگاری و کیف پول‌های دیجیتال متمرکز شود. استفاده از نرم‌افزارهای «متن‌باز» که قابلیت بازبینی، شفافیت و سفارشی‌سازی کامل را فراهم می‌کنند، بر پلتفرم‌های «جعبه-سیاه»<sup>۲</sup> خارجی که کدهای

1. Technological Sovereignty
2. Black-box

آنها غیر قابل مشاهده است، ارجحیت مطلق دارد. پذیرش یک فناوری بسته، کشور را در معرض خطر «قفل شدن در یک فناوری خاص»<sup>۱</sup> قرار می دهد که خود مصداق مدرن «سیل» و وابستگی بلندمدت است؛ بنابراین، سیاست گذار باید هر گونه قرارداد یا همکاری فنی را از فیلتر قاعده نفی سیل عبور دهد و اطمینان حاصل کند که دانش فنی به داخل کشور منتقل شده و هیچ گونه وابستگی غیر قابل کنترلی ایجاد نمی شود.

### ۲-۳-۲. اصل کنشگری در استانداردگذاری<sup>۲</sup>

بجای پذیرش منفعلانه استانداردهای جهانی، حکومت اسلامی باید در فرآیندهای تدوین این استانداردها نقش فعال و تأثیر گذار ایفا کند. انفعال در این حوزه به معنای پذیرش قواعدی است که توسط قدرت های رقیب و برای تأمین منافع آنها نوشته شده است. این کنشگری باید در دو سطح صورت گیرد: اول، حضور فعال و ارائه پیشنهادهای فنی در نهادهای بین المللی کلیدی مانند بانک تسویه بین المللی (BIS)، سازمان بین المللی استانداردها سازی و کنسرسیوم های بزرگ فناوری. دوم و مهمتر از آن، ایجاد ائتلاف های راهبردی با سایر کشورهای مستقل و همسو برای تدوین استانداردهای جایگزین که حافظ منافع همه اعضا باشد. هدف نهایی باید کمک به شکل دهی به یک «معماری مالی چندقطبی» در برابر معماری تک قطبی مسلط باشد؛ معماری ای که در آن، کشورها بتوانند بدون ترس از فشارهای سیاسی و تحریم، با یکدیگر تعامل کنند.

### ۲-۳-۳. اصل تعامل پذیری مدیریت شده<sup>۳</sup>

ارتباط با نظام های پولی جهانی یک ضرورت است، اما این ارتباط نباید به قیمت از

1. Vendor lock-in
2. Proactive Standard-Setting
3. Managed Interoperability

دست رفتن استقلال تمام شود. راه حل، طراحی یک مدل «تعامل پذیری مدیریت شده» است. در این مدل، ریال دیجیتال بجای ادغام کامل در پلتفرم‌های خارجی، از طریق «دروازه‌های پرداخت»<sup>۱</sup> یا «پل‌های دوجانبه»<sup>۲</sup> با آنها ارتباط برقرار می‌کند. برای مثال، یک پل دوجانبه میان ریال دیجیتال ایران و روبل دیجیتال روسیه می‌تواند با استفاده از قراردادهای هوشمند، فرآیند تبدیل و تسویه آنی ارزها را بدون نیاز به هیچ ارز واسطی (مانند دلار) و خارج از دسترس نظام سوئیفت، مدیریت کند. این دروازه‌ها تحت حاکمیت کامل بانک مرکزی ایران عمل کرده و اجازه می‌دهند قوانین و مقررات داخلی (مانند قوانین ضد تحریم) بر تمامی تراکنش‌های ورودی و خروجی اعمال شود. اولویت باید بر ایجاد این پل‌های پرداخت مستقیم با شرکای تجاری اصلی کشور برای تسهیل تجارت دوجانبه و منطقه‌ای باشد.

## ۲-۳-۴. اصل صیانت از حاکمیت پولی<sup>۳</sup>

برای جلوگیری از خطر «دلاریزاسیون دیجیتال»، سیاست‌گذار باید اقدامات پیشگیرانه و قاطعی را اتخاذ کند. اولین گام، وضع قوانین روشن برای ممنوعیت استفاده گسترده از CBDCهای خارجی به‌عنوان ابزار پرداخت عمومی در داخل کشور است. اما اقدام اساسی‌تر و ایجابی، تقویت اعتماد عمومی به پول ملی و جذاب‌سازی «ریال دیجیتال» است. این امر نه تنها از طریق سیاست‌های کلان اقتصادی صحیح (مانند کنترل تورم) بلکه با طراحی یک ریال دیجیتال کارآمد و نوآورانه محقق می‌شود. برای مثال، می‌توان قابلیت «قراردادهای هوشمند» را در ریال دیجیتال تعبیه کرد تا کسب و کارها بتوانند فرآیندهایی مانند پرداخت خودکار پس از تحویل کالا را به سادگی پیاده‌سازی کنند. ارائه چنین مزایایی، انگیزه واقعی برای پذیرش و استفاده از پول ملی دیجیتال را ایجاد کرده و انگیزه روی آوردن به ارزهای بیگانه را به حداقل خواهد رساند.

1. Payment Gateways
2. Bilateral Bridges
3. Protection of Monetary Sovereignty

جدول ۲: نگاهت الزامات قاعده نفی سبیل بر ویژگی‌های فنی و حقوقی CBDC

نمونه اقدام سیاستی	ترجمه به سیاست/ویژگی فنی	الزامات فقهی
الزام به استفاده از سرورها، نرم‌افزارها و پروتکل‌های رمزنگاری بومی یا متن‌بازِ حسابرسی شده	حاکمیت کامل بر زیرساخت داده و شبکه	قطع وابستگی فناورانه (نفی سبیل فنی)
ایجاد یک پیام‌رسان مالی دو جانبه/چندجانبه با شرکای تجاری راهبردی	طراحی سیستم پرداخت مستقل از سوئیفت و نظام دلار	حفظ استقلال اقتصادی (نفی سبیل اقتصادی)
تدوین قوانین سخت‌گیرانه برای ممنوعیت دسترسی بیگانگان به داده‌های تراکنش شهروندان	رمزنگاری قدرتمند و پروتکل‌های حفظ حریم خصوصی داده‌ها	مقابله با نفوذ اطلاعاتی (نفی سبیل امنیتی)
ائتلاف با کشورهای همسور، برای ارائه استانداردهای جایگزین و مقابله با استانداردهای جهت‌دار	کنشگری فعال در نهادهای استاندارد‌گذار بین‌المللی	حفظ عزت و حاکمیت سیاسی

تحقق این اصول نیازمند یک نگاه کلان و هماهنگی میان نهادهای مختلف کشور، از بانک مرکزی گرفته تا وزارتخانه‌های اقتصاد، امور خارجه و نهادهای فناورانه است. قاعده نفی سبیل در اینجا به مثابه یک قطب‌نمای راهبردی عمل می‌کند که جهت‌گیری کلی این حرکت ملی را برای حفظ و تقویت استقلال اقتصادی کشور در عصر دیجیتال مشخص می‌نماید.

## نتیجه‌گیری

تحولات شگرف در عرصه فناوری‌های پولی، نظام بین‌الملل را در آستانه بازآرایی ساختار قدرت اقتصادی قرار داده است. ظهور ارزهای دیجیتال بانک مرکزی (CBDC)، به‌عنوان نمود بارز این تحول، حامل یک دوگانگی راهبردی برای کشورهای چون ایران است: این فناوری در عین حال که می‌تواند به ابزاری برای تعمیق «سلطه پولی دیجیتال» و تشدید فشارهای اقتصادی تبدیل شود، ظرفیت آن را نیز دارد که به بستری برای ایجاد استقلال مالی و خنثی‌سازی تحریم‌ها بدل شود. انتخاب میان این دو مسیر، مستلزم وجود یک چارچوب سیاستی منسجم و ریشه‌دار در مبانی ارزشی و راهبردی نظام اسلامی است. این پژوهش با هدف ارائه چنین چارچوبی، استدلال نمود که قاعده فقهی-سیاسی «نفی سبیل» می‌تواند و باید به‌عنوان اصل راهنمای سیاست‌گذاری در این حوزه عمل کند. نتایج این تحقیق نشان داد که خطر «سبیل» یا سلطه بیگانه در عرصه CBDC، امری انتزاعی نیست، بلکه در ابعاد فنی، حقوقی و استانداردهای این فناوری نهفته است. وابستگی فناورانه، پذیرش استانداردهای جهت‌دار، تعامل‌پذیری یک‌طرفه و پدیده دلاریزاسیون دیجیتال، همگی مصادیق مدرن و پیچیده‌ای از راه‌های نفوذ هستند که استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی را هدف قرار می‌دهد. تحلیل این مقاله نشان داد که قاعده نفی سبیل، فراتر از یک اصل سلبی و بازدارنده، یک راهبرد ایجابی و کنش‌گر را پیش‌روی دولت اسلامی قرار می‌دهد. این قاعده تنها به «نهی» از پذیرش پلتفرم‌ها یا استانداردهای سلطه‌آمیز خلاصه نمی‌شود، بلکه حکومت را به «الزام» برای اقدام فعالانه در جهت کسب استقلال و تولید قدرت فرا می‌خواند. بر این اساس، چهار اصل راهبردی برای سیاست‌گذاری استخراج شد: اصل حاکمیت فناورانه، اصل کنشگری در استاندارد‌گذاری، اصل تعامل‌پذیری مدیریت‌شده و اصل صیانت از حاکمیت پولی. این اصول در کنار یکدیگر، نقشه راهی را برای طراحی یک «ریال دیجیتال» مستقل، مقاوم و کارآمد ترسیم می‌کنند که نه تنها کشور را از تهدیدهای آینده مصون می‌دارد، بلکه می‌تواند به ابزاری برای تقویت جایگاه ایران در اقتصاد

منطقه‌ای و جهانی تبدیل شود. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که مواجهه صحیح با فناوری‌های نوین، نه در انزوا و فناوری‌هراسی و نه در پذیرش منفعلانه آن، بلکه در «مدیریت هوشمندانه» آن براساس اصول و مبانی خودی است. قاعده نفی سیل، آن قطب‌نمای اعتمادسازی است که می‌تواند این مدیریت هوشمندانه را در مسیر صحیح هدایت کند. برای تحقیقات آتی، پیشنهاد می‌شود کاربرست سایر قواعد فقهی مانند «قاعده لاضرر» در حوزه حریم خصوصی کاربران CBDC یا تحلیل فقهی پدیده‌های نوظهور دیگری مانند «امور مالی غیر متمرکز» (DeFi) و نسبت آنها با حاکمیت پولی دولت اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.



## فهرست منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ق). كتاب المكاسب. قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- امام خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۷۹). تحرير الوسيله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- پورعزت، علی اصغر؛ و همکاران. (۱۴۰۱). خط‌مشی‌گذاری عمومی با رویکرد اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۲). سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی»، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370>
- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دار الفکر.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). فقه سیاسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۴۱۹ق). قواعد فقهیه. تهران: مؤسسه عروج.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار إحياء التراث العربی.

- Amani, M., & Sepehri, M. (2023). Central Bank Digital Currency (CBDC) as a Tool to Counter Economic Sanctions: The Case of Iran. *Journal of Economic Cooperation and Development*, 44(2), 85-104.
- Auer, R., & Böhme, R. (2020). *The technology of retail central bank digital currency*. BIS Quarterly Review, March.
- Auer, R., et al. (2022). *CBDCs: an opportunity for the monetary system*. Bank for International Settlements.
- Bank for International Settlements. (2024). *Central bank digital currencies: ongoing policy perspectives*. BIS Papers, No. 136.
- Bordo, M. D., & Levin, A. T. (2019). *Central bank digital currency and the future of monetary policy*. Hoover Institution Press.
- Brunnermeier, M. K., James, H., & Landau, J. P. (2019). *The Digitalization of Money*. National Bureau of Economic Research, Working Paper No. 26300.
- Brunnermeier, M. K., James, H., & Landau, J. P. (2021). *The Digital Currency Challenge: A New Bretton Woods?*. VoxEU.
- Chorzempa, M. (2021). *The Weaponization of SWIFT*. Peterson Institute for International Economics.
- Cohen, B. J. (2015). *Currency Power: Understanding Monetary Rivalry*. Princeton University Press.
- Eichengreen, B. (2011). *Exorbitant Privilege: The Rise and Fall of the Dollar and the Future of the International Monetary System*. Oxford University Press.
- Eichengreen, B. (2023). *Sanctions, SWIFT, and the Dollar's Future*. Project Syndicate.
- Farrell, H., & Newman, A. (2019). *Weaponized Interdependence: How Global Economic Networks Shape State Coercion*. *International Security*, 44(1), 42-79.
- Group of Central Banks. (2020). *Central bank digital currencies: foundational principles and core features*.
- He, D. (2018). *Monetary Policy in the Digital Age*. IMF Working Paper, WP/18/11.
- Kahn, C. M., & Roberds, W. (2019). *The Economics of Private Digital Currency*. Federal Reserve Bank of Atlanta, Working Paper 2019-12.

- Kahn, C. M., Lee, D. K. C., & Roberds, W. (2021). *Financial stability and monetary policy in the digital age*. Oxford University Press.
- Mills, D., et al. (2016). *Distributed ledger technology in payment, clearing, and settlement*. Federal Reserve Board.
- Nakamoto, S. (2008). *Bitcoin: A Peer-to-Peer Electronic Cash System*.
- Nephew, R. (2018). *The Art of Sanctions: A View from the Field*. Columbia University Press.
- Prasad, E. S. (2021). *The Future of Money: How the Digital Revolution Is Transforming Currencies and Finance*. Harvard University Press.
- Rahman, M., & Rashid, M. (2022). Open-Source Technology and National Sovereignty in the Digital Age. *Journal of Strategic Studies*, 15(3), 210-225.
- Varoufakis, Y. (2016). *The Global Minotaur: America, Europe and the Future of the Global Economy*. Zed Books.
- Weber, B. (2021). *The Geopolitics of CBDCs*. Belfer Center for Science and International Affairs.
- World Bank. (2023). *Digital Currency, Digital Payments: The Future of Money*.
- Zandi, M., & Jafari, A. (2022). The Fiqh of Digital Assets: A Framework for Islamic Finance. *Journal of Islamic Economics*, 35(1), 45-68.
- Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. PublicAffairs.
- Bech, M., & Garratt, R. (2017). *Central bank cryptocurrencies*. BIS Quarterly Review, September.